: https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.78989.1195
مقالهٔ پژوهشی-کاربردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شمارهٔ ۱، بهار ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۴۲

بررسی علل مهاجرت معکوس از نقاط شهری به روستایی در شهرستان کرمانشاه

جمال فتح‌اللهی (استادیار اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، نویسنده مسئول)
j.fathollahi@razi.ac.ir
خدیجه جشن پرووکانی (کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه رازی و معاون برنامه‌ریزی فرمانداری کرمانشاه، کرمانشاه، ایران)
jashnkhadije@gmail.com

صص ۲۵۸ ـ ۲۳۳

چکیده

پدیده مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بیشتر کشورهای جهان سوم از جمله ایران است. یکی از مهم‌ترین راهکارهای رفع این مشکلات، تشویق برای مهاجرت معکوس به نقاط روستایی است؛ به همین دلیل، شناخت عوامل مؤثر بر مهاجرت معکوس موضوع پژوهش‌های مختلف بوده است. هدف این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر مهاجرت معکوس از نقاط شهری شهرستان کرمانشاه به نقاط روستایی است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی است. پژوهش حاضر از حیث روش جمع‌آوری داده‌ها، در مرحله طراحی مبانی نظری، اسنادی و در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، پیمایشی با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته است. تحلیل داده‌ها نیز با کمک روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. جامعه آماری، خانوارهایی بودند که طی پنج سال اخیر به روستاهای شهرستان کرمانشاه مهاجرت کردند. پرسشنامه‌ها بین ۳۸۴ خانوار از جامعه آماری به‌صورت تصادفی توزیع شد که ۳۷۱ پرسشنامه تکمیل شد. ارزش‌گذاری متغیر وابسته با

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

استفاده از طیف لیکرت چهارگزینه‌ای انجام شد. داده‌ها به روش تحلیل عاملی اکتشافی تجزیه و تحلیل شدند. برای ارزیابی میزان توافق درونی پرسشنامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. با توجه به آزمون‌های موجود، ۹ عامل مطالعه‌شده که توانستند ٦۲ درصد از واریانس ۳۸ گویه مربوط به عوامل مؤثر بر مهاجرت معکوس از نقاط شهری به روستایی را در شهرستان کرمانشاه تبیین کنند، به‌ترتیب عبارت‌اند از: مسکن، هزینه-درآمد خانوار، عامل فرهنگی-زیستی، میزان دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، عامل کالبدی، فرصت‌های شغلی در محیط روستایی، عامل تعلق و بومی بودن، جاذبه‌های گردشگری و صنایع‌دستی و درنهایت کمترین عامل تأثیرگذار بر مهاجرت معکوس سیاست‌های حمایتی دولت از روستاییان است. در بین متغیرها، فراهم بودن امکانات آموزشی برای فرزندان با بار عاملی ۸۵ درصد و حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در تأمین بذر، کود، سم و... با بار عاملی ۸٤ درصد، بیشترین تأثیر در مهاجرت معکوس دارند.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت معکوس، تحلیل عاملی، کرمانشاه.

۱. مقدمه

مهاجرت، پدیده جمعیتی است که به خروج از یک منطقه، کشور یا بخش و ورود به محدوده جغرافیایی مربوط است که عموماً دارای محیط توسعه‌یافته‌تری در مقایسه با مبدأ است. به‌طور سنتی، مهاجرت غالباً از روستاها به شهرهای کوچک و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ صورت می‌گیرد (اردهایی و نوبخت، ۱۳۹۵، ص. ٤۲). مهاجرت به شهرها به‌عنوان سیستمی انتقالی با ایجاد تعادل موجب تأمین نیروهای موردنیاز شهرها می‌شود؛ بستر موردنیاز برای دستیابی به بالاترین سطح مدرنیزاسیون را فراهم می‌کند و تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، ترکیب جمعیتی و... موجود در سطح شهر و روستا را کاهش می‌دهد (گیر و کونتولی[1]، ۱۹۹٦). روند روزافزون مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها موجب رشد سریع نواحی شهری شده است که نتیجه آن تغییرات شدید کاربری اراضی شهری و شکل‌گیری گسترده حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی است. درواقع، با افزایش جمعیت شهری،

1. Geyer & Kontuly

معضلات و مسائل شهری بیشتر شده است؛ به‌نحوی‌که کیفیت زندگی و زیست‌پذیری شهری را به میزان درخور توجهی کاهش داده و وضعیت زندگی ساکنان شهری را درمعرض نابودی قرار داده است (محمودزاده و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲٦۸).

در دهه‌های ۱۹٦۰ و ۱۹۷۰ برخی از کشورهای صنعتی با مهاجرت جدیدی از شهرهای صنعتی بزرگ به‌سمت شهرک‌ها و روستاها مواجه شدند که در مطالعات، این نوع مهاجرت به‌عنوان مهاجرت معکوس[1] شناخته شد. این مفهوم در ساده‌ترین تعریف خود به هرگونه تغییر محل اقامت بلندمدت از مبدأهای شهری به مقصدهای روستایی گفته می‌شود (اردهایی و نوبخت، ۱۳۹۵، ص. ٦٤). در ایران این پدیده غالباً در مهاجرت از کلان‌شهرها به شهرهای کوچک و روستاهای پیرامونی صورت می‌گیرد، اما در سطح بین‌الملل مهاجرت معکوس به بازگشت مهاجرین از کشور مقصد به وطن اصلی مهاجران گفته می‌شود. درواقع، مهاجرت روستایی و کوچ بازگشتی نوعی مهاجرت است که فرد در روستا متولد می‌شود؛ به شهر می‌رود؛ قسمت اصلی زندگی فعالش را در همان‌جا می‌گذراند؛ در میانه یا پایان زندگی فعال به روستای موطن خویش بازمی‌گردد و روزهای پایان زندگی خویش را در آنجا به سر می‌برد (ربانی و همکاراتن، ۱۳۹۰، صص. ۸٤–۸۵). این نوع مهاجرت نه‌تنها اثر منفی سایر مهاجرت‌ها را ندارد، بلکه پدیده‌ای مثبت در فضای جغرافیایی کشور به شمار می‌آید که از اثرات آن می‌توان به کاهش مشکلات جوامع شهری، آبادی و عمران روستا، بهبود توزیع جمعیت، کاهش جمعیت شهری، افزایش جمعیت روستایی و جوان‌سازی آن، کاهش حاشیه‌نشینی، کاهش بیکاری، ترافیک، بی‌سوادی و... اشاره کرد. این مهاجرت با توجه به تأثیر آن بر رشد جمعیت و توسعه اقتصادی بسیار مدنظر جامعه‌شناسان، جغرافی‌دانان، دولت‌مردان و سیاست‌مداران قرار دارد (توسلی، ۱۳۷٤، ص. ۲۳).

در راستای حمایت از این نوع مهاجرت، در ماده ۸۰ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران[2] مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱٤ مجلس شورای اسلامی، دولت مکلف شده

1. Reverse migration

۲. با وجود اتمام دوره برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، هنوز برنامه هفتم ابلاغ نشده است؛ بنابراین به برنامه‌های ششم توسعه استناد شده است.

است که طبق قوانین مربط و مصوبات شورای اجتماعی به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی مشتمل بر هشت محور اقدام کند؛ به‌گونه‌ای که آسیب‌های اجتماعی در انتهای برنامه به ۲۵ درصد میزان کنونی کاهش یابد. یکی از محورهای یادشده، محور شناسایی و بهبود نقاط آسیب‌خیز، دارای سه راهکار است که دومین راهکار آن «بهبود کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و ترویج مهاجرت معکوس از طریق آمایش سرزمین، توزیع مناسب جمعیت و منابع و جلوگیری از بروز و تشدید آسیب‌های اجتماعی در این مناطق با ایجاد شغل و سکونتگاهی مناسب در روستاها» است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ١٤٠١).

به‌یقین اگر سطح کیفیت زیستی، امکانات در روستا و سطح درآمد حاصل از کشاورزی در روستاها ارتقا یابد، برخی افراد زندگی در محیط روستا را گزینه مناسبی برای جایگزینی آن با محیط آلوده و پرهزینه شهر قلمداد می‌کنند و به مهاجرت به روستا اقدام خواهند کرد.

در طی دهه‌های اخیر شهرستان کرمانشاه در نتیجه مهاجرت‌های بی‌رویه روستانشینان به مناطق شهری با افزایش چشمگیر جمعیت شهری و افزایش شمار روستاهای فاقد سکنه مواجه شده است. این موضوع موجب خالی شدن روستاها از نیروهای جوان و تحصیل‌کرده شده و موجب پدیدآمدن مشکلات متعددی در مناطق شهری ازجمله کاهش سطح تولیدات کشاورزی، افزایش قیمت مواد مصرفی، افزایش اجاره‌بها و هزینه خرید مسکن، افزایش هزینه‌های زندگی، رونق مشاغل کاذب، پایین آمدن سرانه دسترسی به فضاهای آموزشی، بهداشتی، رفاهی، فرهنگی، آلودگی‌های هوا، مناظر، آلودگی‌های صوتی و... (درمجموع عوامل زیست‌محیطی)، افزایش فشارهای روانی و وجود فضاهای استرس و اضطراب‌زا، کاهش سطح ارزش‌ها و سنت‌ها و بروز گسترده آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی شده است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۰). در سال‌های اخیر در شهرستان کرمانشاه میل به گریز از شلوغی، علاقه به بازگشت به طبیعت، رسیدن به سن بازنشستگی، وجود اوقات فراغت، افزایش سطح رفاه خانوارها، علاقه به زندگی روستایی، گسترش سطح دسترسی به خدمت آموزشی، بهداشتی، درمانی، بهبود وضعیت جاده‌ها و خدمات مخابراتی، کم بودن هزینه زندگی و گذران

اوقات فراغت در مناطق روستایی، دسترسی به آب، برق و گاز، ارائه تسهیلات به‌منظور نوسازی منازل روستایی، داشتن اراضی کشاورزی مرغوب و... موجب تحرک جمعیتی و جغرافیایی با عنوان مهاجرت معکوس از شهرهای بزرگ به روستاهای بخش‌های تابعه شهرستان کرمانشاه شده است.

براساس داده‌های سرشماری سال‌های ۱۳۸۵–۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، استان کرمانشاه با سهم ۳,۱ درصدی از کل جمعیت مهاجران معکوس (معادل ۳۸۹٤٦ نفر) در جایگاه دوازدهم کشور قرار دارد؛ این در حالی است که میزان مهاجرت روستا به شهر در این استان طی دوره زمانی یادشده برابر با ۳۳۲۱۱ نفر است که با سهم ۲,۱ درصدی خود از کل جمعیت مهاجران (روستا به شهر)، این استان را در جایگاه شانزدهم کشور قرار داده است (شایان و همکاران، ۱٤۰۰، صص. ۹–۱۱)؛ به عبارت دیگر، تعداد مهاجرت از شهر به روستا در استان کرمانشاه بیشتر از میزان مهاجرت از روستا به شهر است. این روند مهاجرت معکوس حتی به ایجاد نقاط روستایی جدید (مانند روستای نفته در بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه) در شهرستان کرمانشاه نیز منجر شده است. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از بخشداری‌ها، طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱٤۰۰، ۱٦ روستا در شهرستان کرمانشاه ایجاد یا احیا شده است که بخش فیروزآباد با شش روستا بیشترین سهم را از روستاهای احیاشده شهرستان دارد و بخش بیلوار روستای احیاشده‌ای ندارد. براساس آمارهای موجود، ۲۱۷ خانوار با جمعیت ۷٦۸ نفر در روستاهای احیاشده شهرستان کرمانشاه ساکن شده‌اند؛ بنابراین استان کرمانشاه در زمینه مهاجرت معکوس دارای ظرفیا درخورتوجهی است که می‌توان با شناسایی و بررسی دلایل و چرایی وجود این امر به برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری برای گسترش و بهره‌برداری هرچه‌بیشتر از این فرصت پرداخت؛ ازاین‌رو سؤالات اصلی پژوهشی به شرح زیر است: عوامل و دلایل اصلی مهاجرت-های معکوس در شهرستان کرمانشاه کدام‌اند؟ مهاجران چه کسانی هستند؟ چه ویژگی‌هایی موجب می‌شود روستاها به‌عنوان مقصد مهاجران قرار گیرند؟

بررسی‌های نگارندگان حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی برای پاسخگویی به این سؤالات در شهرستان کرمانشاه انجام نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر به‌دنبال یافتن پاسخ برای سؤالات مذکور است تا بتوان از طریق برنامه‌ریزی مؤثر براساس عوامل استخراجی،

راهکارهای مناسبی را به‌منظور افزایش نرخ مهاجرت معکوس و دائمی کردن اقامت در روستا ارائه مرد.

۲. پیشینهٔ تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره مهاجرت معکوس انجام شده‌اند که هریک بـا رویکـرد خاص خود به بررسی علل مهاجرت معکوس پرداخته‌اند. در ادامه درباره مهم‌ترین پژوهش‌هـا توضیح داده می‌شود.

افراخته و همکاران (۱۳۹۵) نشـان دادنـد کـه در مهـاجرت بازگشـتی مهـاجران، عوامـل اقتصادی بیشترین تأثیر را دارد و مهاجران با ارزیابی هزینـه فایـده و توجـه بـه منـابع بیشـتر، تصمیم به بازگشت می‌گیرند؛ البته عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و عمرانی نیـز بـر بازگشـت مهاجران تأثیرگذارند. قاسمی و همکاران (۱۳۹۳) علـل اصـلی شـکل‌گیری جریـان مهـاجرت معکوس را در قالب سه بعد طبیعی، اقتصادی و اجتماعی با استفاده از تحلیل عامـل اکتشـافی بررسی کردند. نتایج بیانگر وجود هفت مؤلفه اصلی مؤثر بر مهاجرت معکوس از شهر مشـهد به روستاهای شهرستان بینالود شامل عوامل زیرساختی، اقتصادی، زیسـت محیطـی، فرهنگـی، تعلق مکانی، بازنشسـتگی و مسـکن اسـت کـه ٦٩,٣ درصـد از مجمـوع واریـانس مهـاجرت معکوس را توضیح می‌دهد. نتایج پژوهش اردهایی و نوبخت (۱۳۹۵) نشان داد که دستیابی به مسکن مناسب‌تر، قرار گرفتن در مراحل میانسالی و بازنشستگی، تربیـت راحـت‌تـر فرزنـدان، کیفیت بهتر زندگی، فرصت‌های شغلی بهتر، وجود آرامش در روستا، وجود اعضـای خـانواده در روستا، دسترسی به مسکن ارزان‌قیمت با کمترین تشریفات اداری، محیط‌زیسـت، ایمنـی و هزینه‌های زندگی، از مهم‌ترین دلایل مهاجرت‌اند. آذر و صلاحی رنجبری (۱۳۹۹) هفت عامـل اقتصادی و مسکن، فرهنگی-اجتماعی، زیست‌محیطی، تفریحی-گردشـگری، آلـودگی محـیط شهری، امنیت و تعلق مکانی و کالبدی را در مهاجرت معکوس از شهر تبریز مـؤثر دانسـته‌اند. گرانی زمین و مسکن مهم‌ترین عامل در توسعه روستاهای اطراف شـهر تبریـز بـوده اسـت و عواملی از قبیل زیاد بودن هزینه زندگی شهری، حمایت‌های دولتـی از روسـتاییان، کـم بـودن درآمد، گرانی زمین در شهر، کم بودن قیمت خریـد و اجـاره مسـکن در روسـتا از مهم‌تـرین

عوامل اقتصادی در مهاجرت معکوس به شمار می‌آیند. عباسی و همکاران (۱۳۹۹) معتقدند، بین عوامل فردی و محیطی با توانمندسازی روستاییان در حوزه اقتصادی در افزایش انگیزه مهاجرت معکوس رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی با ایجاد فرصت‌های شغلی می‌توان شاهد افزایش انگیزه مهاجرت معکوس روستاییان به روستای زادگاه خویش بود. فیاض و همکاران (۱۳۹۸) جاذبه‌های گردشگری، تقویت باغداری و ایجاد صنایع تکمیلی از طریق اعطای تسهیلات و ارتقای کیفیت خدمات رفاهی و بهره‌گیری مناسب از آب و خاک را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ماندگاری جمعیت در مناطق روستایی و مهاجرت معکوس شناسایی کردند. یعقوبی و زبیدی (۱۳۹۷) چهار عامل بهبود وضعیت رفاهی و بهداشتی، جاذبه‌های طبیعی و تأمین محیط آرام، بهبود چشم‌انداز درآمد فعالیت‌های کشاورزی و بهبود ظرفیت اشتغالزایی در محیط روستایی را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مهاجرت معکوس معرفی کردند.

نظریه‌های دیگر مطرح‌شده در این زمینه، تصمیم بر مهاجرت را نه‌تنها در حوزه فردی، بلکه در حوزه اجتماعی و خانوادگی جست‌وجو می‌کند (تیلور، ۲۰۰۳). نظریه‌های متأخر به بستر اجتماعی مهاجرت توجه کرده‌اند و ویژگی‌های خانواده، محله و بازار کار را نیز عوامل مهمی در تعیین سازوکار تصمیم‌گیری افراد در مهاجرت دانسته‌اند. درواقع، در دیدگاه‌های اجتماعی، افراد برای رهایی از وضعیت نامساعد مبدأ و سکونت در مناطق خوش آب و هوا، سالم و زندگی در جامعه توسعه‌یافته مهاجرت می‌کنند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸، ص. ۲۲۲). طبق نظریه سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها، اعتماد و هنجارها در ایجاد انگیزه به بازگشت مؤثرند. سرمایه اجتماعی به دو شکل متفاوت یعنی شبکه اجتماعی توسط بوردیو[1] (۱۹۸۶) و کلمن[2] (۱۹۹٤) و اعتماد اجتماعی توسط پانتام[3] (۱۹۹٦) و فوکویاما[4] (۱۹۹۹) مطرح شده است. درواقع، سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت بر دو بعد شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی اثرگذار است. شبکه‌های مهاجرت مجموعه‌ای از روابط بین‌فردی است که افراد مهاجر فعلی و

1. Bourdieu
2. Coleman
3. Putnam
4. Fukuyama

قدیمی و غیرمهاجران را از طریق رابطه خویشاوندی، خانوادگی، داشتن مبدأ مشترک و پیوندهای خصوصی به هم متصل می‌کند. درواقع، مهاجرت تغییرات را در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آورد که با کاهش هزینه‌ها و مخاطرات و افزایش بازده موردانتظار زمینه گسترش مهاجرت را فراهم می‌کند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۷۸). اعتماد اجتماعی یکی از بسترهای تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری فرد به مهاجرت است. درواقع، کشورهای دارای اعتماد اجتماعی زیاد، دارای فساد کمتر، برابری اقتصادی بیشتر و تمایل بیشتر برای کمک‌رسانی به افراد با منابع کمتر هستند؛ درنتیجه تمایل کمتری به مهاجرت دارند. این عنصر تأثیر مهمی بر فرایند تصمیم‌گیری به مهاجرت دارد و برای ایجاد زمینه ثبات و روابط صلح‌آمیز ضروری است (سیپینن و بک[1]، ۲۰۱٦). عبداللهی (۱۳۹۵) نشان داد که عوامل تعلق بومی، مسکن، شغل، درآمد، نبود اختلافات قومی و قبیله‌ای، وجود امکانات آموزشی و توسعه اقتصادی و اجتماعی بر مهاجرت معکوس تأثیر زیادی دارند و همچنین عوامل سن، توسعه راه‌سازی و استقرار خدمات گردشگری و توریستی بر مهاجرت معکوس اثر متوسط دارند.

اسما خان و اروکیاراج (۲۰۲۱) در پژوهش خود به بررسی چالش‌های مهاجرت معکوس در هند پرداختند و به این نتیجه رسیدند که دولت به‌منظور کاهش رنج ناشی از مهاجرت معکوس اجباری، باید با سیاست‌گذاری‌های قوی به جمع‌آوری آخرین داده‌ها، ایجاد شغل متناسب با مهارت‌های آن‌ها، ارائه طرح‌های رفاهی و بسیج منابع به‌منظور کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجران اقدام کند. زویک و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی علت مهاجرت معکوس کارآفرینان در هند و چین پرداختند. براساس نتایج پژوهش آن‌ها، دولت چین با اتخاذ سیاست‌های هدفمند در سطح ملی ازجمله معافیت‌های مالیاتی و تجهیز منابع موردنیاز شرکت‌های نوپا و پارک‌های صنعتی موجب می‌شود که کارآفرینان خارج از کشور، بازگشت به کشور خود را فرصت بدانند و ضمن همکاری با دولت، فناوری‌های مهمی را به کشور خود بازگردانند، اما در هند نگرش کارآفرینان به دولت محلی چندان مطلوب نیست و با وجود علاقه‌مندی آنان به تعامل با دولت محلی غالباً سطح همکاری دولت با آنان کمتر از کارآفرینان

1. Sipinen & Back

محلی است. از سوی دیگر، این کارآفرینان به‌دلیل تمایل به بهره‌گیری از نیروی کار با استعداد و ارزان‌قیمت نتوانسته‌اند فناوری را به داخل کشور خود بازگردانند. سیسی (۲۰۲۲) در پژوهش خود به بررسی مشکلات مهاجرت معکوس در آسیا، به‌ویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی ناشی از وضعیت جنگ خلیج‌فارس، بحران‌های مالی جهانی، بهار عربی و همه‌گیری کووید پرداخت. وی به این نتیجه رسید که دولت محلی در کشورهای فیلیپین، چین و کره‌جنوبی عملکرد بهتری در مدیریت مهاجرت معکوس ازجمله توان‌بخشی، کاهش خطرات و تسهیل در ادغام مجدد مهاجران در جامعه محلی داشته است؛ این در حالی است که دستورالعمل‌هایی که برای بازگشت و ادغام مجدد از سوی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مانند ILO و ASEAN ابلاغ شده، توسط بسیاری از کشورها نادیده گرفته شده و بر مشکلات مهاجران در این کشورها افزوده شده است.

به‌طورکلی، نظریه‌پردازی در حوزه مهاجرت با چالش‌های متعددی روبه‌روست؛ به‌نحوی‌که غالب نظریه‌ها ضمن تأکید بر ابعاد اقتصادی مهاجرت، آن ابعاد را بررسی کرده‌اند و نتوانسته‌اند درباره ارتباط بین ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، بهداشتی و... این پدیده توضیحات جامعی را ارائه کنند. براساس آنچه بیان شد، عوامل متعددی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، محیطی، فرهنگی، گردشگری و... در بازگشت به مناطق روستایی مؤثرند که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

اقتصادی: افزایش و توسعه فرصت‌های کسب‌وکار، افزایش سطح رفاه نسبی، تثبیت جمعیت فعال (اسفندیاری و دانیالی، ۱۳۹۸، ص. ۳)، وجود درآمد ثابت و دائمی، امنیت شغلی، وجود جاذبه‌های گردشگری، تعادل شغلی در بخش‌های مختلف اقتصادی، پرداخت تسهیلات اشتغال‌زای ارزان‌قیمت، داشتن زمین‌های مرغوب کشاورزی در روستا، امکان بهره‌مندی از چند منبع درآمدی، پایین بودن سطح درآمد در شهر و زیاد بودن هزینه زندگی در شهر حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در تأمین بذر، کود، سم و...، حمایت دولت از روستاییان ازقبیل ارائه بیمه‌های روستایی، یارانه، سهام عدالت و...، خرید تضمینی محصولات کشاورزی توسط دولت یا کارخانه‌های بخش خصوصی، وجود بیمه محصولات کشاورزی و

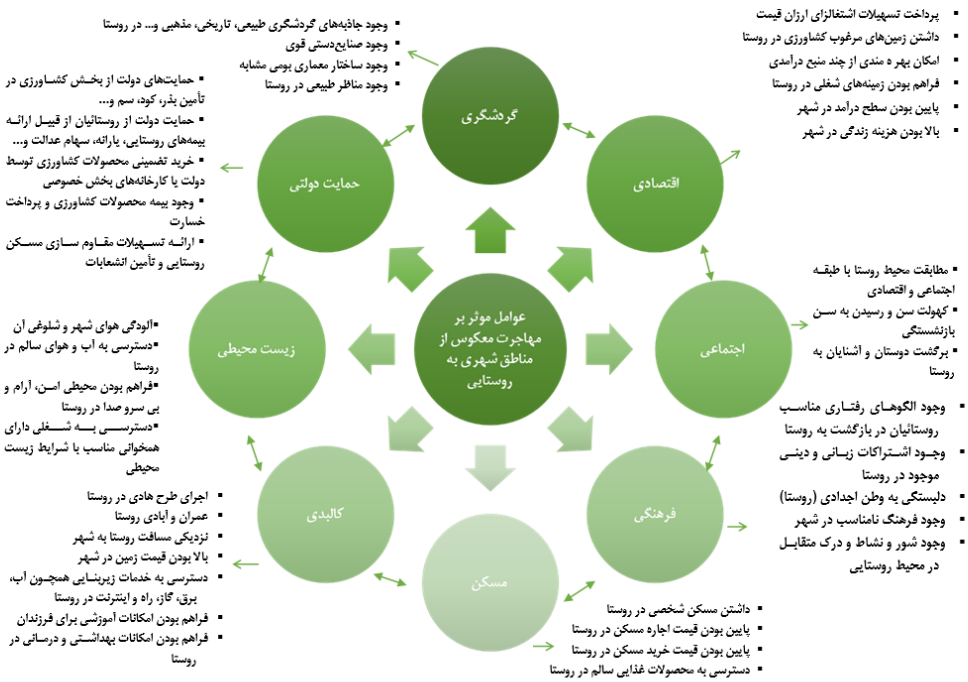
پرداخت خسارت، وجود صنایع‌دستی قوی، و امکان بهره‌برداری از منابع برای بلندمدت از مهم‌ترین علل اقتصادی بازگشت به روستاها هستند؛

محیطی: وجود جاذبه‌های گردشگری طبیعی، تاریخی، مذهبی و...، وجود مناظر طبیعی در روستا، آلودگی هوای شهر و شلوغی آن، فراهم بودن محیطی امن، آرام و بی سروصدا در روستا، دسترسی به آب و هوای سالم در روستا و دسترسی به شغلی دارای همخوانی مناسب با وضعیت زیست‌محیطی از مهم‌ترین عوامل محیطی هستند؛

اجتماعیی-فرهنگی: این عوامل شامل توسعه و رفاه اجتماعی برای ایجاد حیات مطلوب اجتماعی، زندگی در محیط دارای خرده‌فرهنگ‌های یکسان، احساس تعلق خاطر و بومی بودن، بازگشت به روستا به تبع بازگشت دوستان و اقوام، نرخ زیاد مشارکت اجتماعی در محیط روستایی که به توانمندسازی جامعه روستایی منجر می‌شود (ایوانز[1]، ۲۰۱۰)، مطابقت محیط روستا با طبقه اجتماعی و اقتصادی و کهولت سن و رسیدن به سن بازنشستگی، وجود الگوهای رفتاری مناسب روستاییان در بازگشت به روستا، دلبستگی به وطن اجدادی، وجود فرهنگ نامناسب در شهر و وجود شور و نشاط و درک متقابل در محیط روستایی هستند؛

کالبدی-فیزیکی: این عوامل شامل توسعه راه‌های ارتباطی، افزایش امکانات و خدمات زیربنایی شامل آب، برق، گاز، راه و اینترنت، آموزش و بهداشت، دسترسی به مسکن ارزان‌قیمت، داشتن مسکن شخصی در روستا، کم بودن قیمت خرید و اجاره مسکن در روستا، اجرای طرح هادی در روستا، عمران و آبادی روستا، وجود ساختار معماری بومی مشابه، نزدیکی مسافت روستا به شهر، زیاد بودن قیمت زمین در شهر و ارائه تسهیلات مقاوم‌سازی مسکن روستایی و تأمین انشعابات هستند.

1. Ivans



شکل ۱. عوامل مؤثر بر مهاجرت معکوس از مناطق روستایی به مناطق شهری

مأخذ: جمع‌بندی عوامل شناسایی‌شده در مطالعات انجام‌شده تاکنون

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی است. از حیث روش جمع‌آوری داده‌ها، در مرحله طراحی مبانی نظری و تهیه پرسشنامه، اسنادی و در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، پیمایشی است. داده‌های موردنیاز با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه چهره‌به‌چهره با سرپرستان خانوارهای مهاجرت‌کرده به روستاهای شهرستان کرمانشاه جمع‌آوری شده است. تحلیل داده‌ها نیز با کمک روش توصیفی- تحلیل انجام شده است.

پرسشنامه این پژوهش با بهره‌گیری از مرور متون علمی، بحث‌های گروهی و مصاحبه با کارشناسان خبره طراحی شد. شایان ذکر است در جلسات مستمر، از نظرات شش فرد متخصص برای تعیین امتیازات اندازه‌گیری روایی محتوا کمک گرفته شد. مجموع عوامل یادشده به تدوین پرسشنامه نهایی با ۳۸ سؤال در طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای منجر شد. جامعه

آماری این تحقیق همه خانوارهایی بودند که از سال ۱۳۹۵ تا ۱٤۰۰ بـه روسـتاهای شهرسـتان کرمانشاه به‌صورت دائم مهاجرت کردند. با توجه به اینکه آمار دقیقی از تعداد خانوارهای ایـن جامعه آماری در دست نبود، بـا بهره‌گیـری از فرمـول کـوکران در زمـانی کـه حجـم جامعـه نامشخص است[1]، پرسشنامه به‌صورت تصادفی در بین ۳۸٤ خانوار که مهـاجرت معکـوس بـه روستاهای شهرستان کردند، توزیع شد که ۳۷۱ پرسشنامه قابل‌استفاده بود. ازآنجاکـه برخـی از روستاهای شهرستان خالی از سکنه بودند و دوباره احیا شدند و برخی از روستاها نیز به‌تازگی ایجاد شدند و در حال حاضر دارای سـکنه هسـتند، توزیـع پرسشـنامه در میـان اهـالی آن‌هـا به‌صورت تمام‌شماری صورت گرفت.

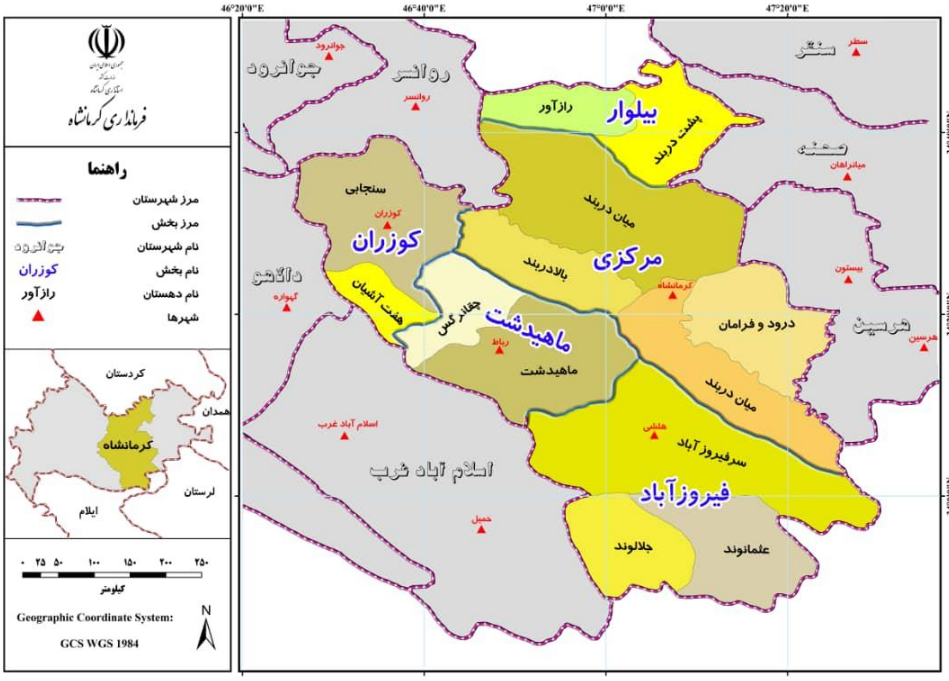
پرسشنامه یادشده به دو قسمت تقسیم شد: قسمت نخست به متغیرهـای مسـتقل از قبیـل سن، جنس، تعداد اعضای خانوار، مدت‌زمان اقامت در شهر و روسـتا، شـغل و تحصـیلات و قسمت دوم به متغیر وابسته یا به‌عبارتی علل مهاجرت معکـوس مربـوط اسـت. ایـن متغیرهـا (معیارها) شامل عوامل اقتصادی، سیاست‌های حمـایتی دولـت از روسـتائیان، زیسـت‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی، مسکن و گردشگری هستند. ارزش‌گذاری این متغیرها با اسـتفاده از طیف چهارگزینه‌ای لیکرت صورت گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افـزار SPSS23و روش‌های آماری همچون آزمون تحلیل عامل اکتشافی انجام شـد. بـرای ارزیـابی میزان توافق درونی پرسشنامه از آلفای کرونباخ اسـتفاده شـد. بـه‌منظور انجـام تحلیـل عـاملی اکتشافی، ابتدا سازگاری داده‌ها و معناداری روابط آن‌ها با دو آزمون KMO برای تعیین کفایت حجم نمونه و آزمون بارتلت برای آزمون میزان معناداری روابط بـین عوامـل مـدنظر، اسـتفاده شد.

محدود موردمطالعه، شهرستان کرمانشاه بـا مسـاحت ٥٦٤٧,١ کیلـومتر مربـع بـا سـهم ۲۳ درصدی از کل مساحت استان کرمانشاه، پهنـاورترین شهرسـتان ایـن اسـتان اسـت. براسـاس

---

۱. فرمول کوکران در این حالت برابر است با $n = \frac{z^2pq}{d^2}$ که در آن، z برابر با ۱,۹٦؛ p=q=۰,٥ ، d: مقدار اشتباه مجاز (مقدار خطا ۰,۰٥) است.

آخرین تقسیمات کشوری این شهرستان، دارای ۵ شهر، ۵ بخش و ۱۳ دهستان و ۸۵۹ روستا است که ۷٤۸ روستای آن دارای سکنه و ۱۱۲ روستای آن فاقد سکنه‌اند.



شکل ۲. نقشه شهرستان کرمانشاه به تفکیک بخش‌های تابعه

مأخذ: معاونت هماهنگی امور عمرانی فرمانداری کرمانشاه، ۱٤۰۱

جمعیت شهرستان کرمانشاه براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، برابر با ۱۰۸۳۸۳۳ نفر است که این میزان ۵۵,۵ درصد از کل جمعیت استان است. ٦۵ درصد از جمعیت شهری، ۲۷ درصد از جمعیت روستایی و ۳٤ درصد از جمعیت غیر ساکن استان در شهرستان کرمانشاه مستقر هستند. شایان ذکر است، نزدیک به ۸۸ درصد از جمعیت شهرستان کرمانشاه در مناطق شهری ساکن‌اند و سهم جمعیت روستایی و غیرساکن تنها ۱۲ درصد است.

٤. مبانی نظری تحقیق

مهاجرت معکوس فرایندی است که افراد بعد از یک دوره اقامت طولانی‌مدت در سرزمینی دیگر به سرزمین اولیه خود بازمی‌گردند. در ادبیات مهاجرت، مهاجرت معکوس به‌صورت مجزا و در قالب نظریه بررسی نشده است؛ بلکه از نظریاتی استفاده شده است که به‌طورکلی به مهاجرت پرداخته‌اند. نظریه‌های متعددی درباره علل مهاجرت وجود دارد؛ به‌طوری‌که برخی نظریه‌پردازان بر انگیزه‌های فردی تأکید می‌کنند و عده‌ای نیز عوامل اجتماعی را تعیین‌کننده می‌دانند.

تبیین‌کننده‌های فردی مهاجرت عمدتاً بر متغیرهای اقتصادی تأکید دارند. از منظر اقتصادی، مهاجرت وسیله‌ای برای بهبود وضعیت کار و اشتغال است که بیشتر بر شکاف درآمدی در مبدأ و مقصد متکی است. درواقع، این نظریات بر نقش دولت‌ها و سیاست‌های آن در ایجاد اثرات دافعه و جاذبه در فرایند مهاجرت اشاره دارد. هرگونه حرکت جمعیتی در راستای رسیدن به تعادل است؛ به‌طوری‌که مردم از مناطق با درآمد کم به مناطق با درآمد زیاد، مهاجرت می‌کنند و موجب راه‌اندازی جریان سرمایه می‌شوند (دی هاس[1]، ۲۰۱۰). مهاجرت به درآمد انتظاری فرد در مقصد بستگی دارد (مهاجرانی و روستا، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). در دهه ۱۹۸۰ مدل‌های رفتاری در سطح خرد و مبتنی بر بررسی تصمیم فرد در قالب هزینه–فایده استوار شد. درواقع، اگر منافع ناشی از مهاجرت بیش از هزینه‌های آن باشد، فرد به مهاجرت تصمیم خواهد گرفت. روانشتاین[2]، عوامل اقتصادی را مهم‌ترین دلیل در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرت می‌داند. اس. تی. لی[3] با بازنگری در قوانین روانشتاین، مهاجرت را ارادی نمی‌داند و آن را به جاذبه‌ها و دافعه‌های متنوع مبدأ و مقصد مرتبط می‌داند. او وجود امکانات بیشتر بهداشتی، آموزشی، اشتغال و درآمد به‌عنوان جاذبه و دوری از خانه، آلودگی محیطی و زیاد بودن هزینه‌های زندگی را به‌عنوان دافعه مطرح می‌کند که این عوامل شامل چهار عامل که غالباً عوامل فردی است، است. این چهار عامل شامل عوامل موجود در مبدأ، عوامل

1. De Haas
2. Ravenstein
3. Lee

موجود در مقصد، موانع مداخله‌گر موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد و ویژگی‌های فرد مهاجر هستند؛ پس ویژگی‌های شخصی مهاجران ازجمله سن، جنس، تحصیلات، اشتغال، وضعیت تأهل، نسبت‌های خانوادگی و... از عوامل مؤثر بر مهاجرت به شمار می‌آیند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۷٤). بوگ[1]، دو گروه از عوامل شامل عوامل کشش و عوامل فشار را در مهاجرت‌های روستا به شهر بسیار مؤثر می‌داند. براساس نظریه وی، عوامل کشش یا جاذبه شامل فرصت‌های شغلی بهتر و فرصت‌های مناسب برای کسب درآمد هستند و عوامل دافعه را شامل عواملی ازقبیل مکانیزه‌شدن فعالیت‌های کشاورزی و به‌تبع محدودیت شغلی این بخش، بروز حوادث طبیعی، نبود بستر مناسب برای بروز خلاقیت‌های فردی، کاهش منابع مالی و بی‌توجهی به بخش کشاورزی، وجود روابط ناعادلانه و... می‌داند (طاهرخانی، ۱۳۷۹، صص. ٤-۵). نظریه سرمایه انسانی لاری ساستاد[2] به بررسی مسئله مهاجرت از دید سرمایه‌گذاری فردی می‌پردازد. با توجه به سطح مهاجرت افراد، او ارزش فعلی سرمایه انسانی را در مقصد با مبدأ مقایسه می‌کند و مهاجرت فرد را منوط به بیشتر بودن منافع ناشی از مهاجرت در مقایسه باهزینه‌های آن در همه ابعاد زندگی فرد می‌داند؛ بنابراین در این نظریه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و روانی همانند داشتن شغل و موقعیت خوب اجتماعی، وضعیت روحی مناسب، احساس تعلق به خویشاوندان و آرامش را می‌توان در بررسی علل مهاجرت لحاظ کرد. فرد مهاجر در زمان حضور در مقصد با مسائل جدیدی مواجه خواهد شد که ارزیابی او از مهاجرت را تصحیح می‌کند و نقش مؤثری در ماندگاری یا بازگشت وی ایفا خواهد کرد. از نظر مایکل تودارو[3]، مهاجرت انگیزه‌های اقتصادی خاصی دارد. درواقع، مهاجرت اساساً پدیده‌ای اقتصادی است. افراد با توجه به شکاف موجود بین درآمد موردانتظار شهر و روستا با هدف اقتصادی بیشتر شدن درآمد، به مهاجرت تصمیم می‌گیرند. فرد مهاجر با بررسی ابعاد پیچیده ارجحیت زمانی، هزینه مهاجرت، ارزش فعلی درآمدهای موردانتظار و احتمال اشتغال در بخش‌های جدید اقتصادی با وجود بیکاری در شهرها به مهاجرت از روستا

1. Bouge
2. Larry A. Sjaastad
3. Michael Todaro

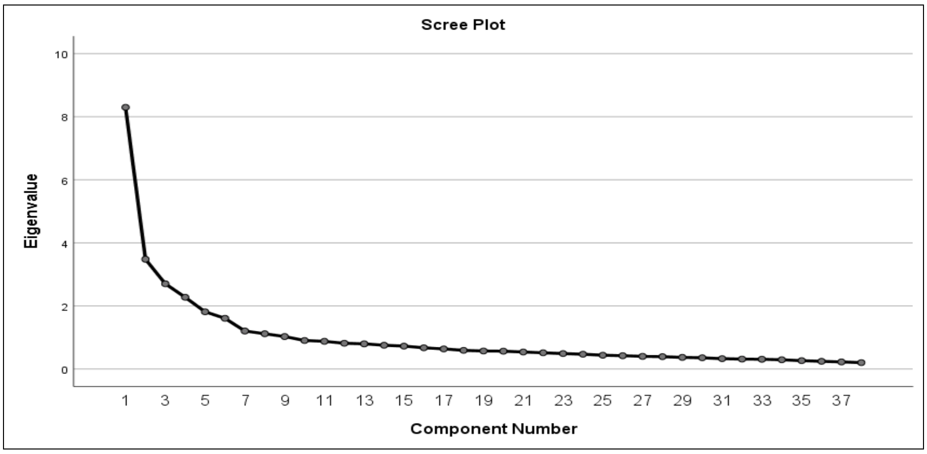
به شهر اقدام خواهد کرد (تودارو، ۱۹۹۷). از نظر شاموی و اترستروم[1] (۲۰۰۱)، دستیابی به شغل مهم‌ترین عامل مهاجرت معکوس به مناطق روستایی است.

۵. یافته‌های تحقیق

مردان ۹۲,۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه را تشکیل دادند و بیشترین سهم سنی به پاسخ‌دهندگان ٤٦ سال و کمتر مربوط بود که ۵۲,۱ درصد از نمونه آماری را شامل شدند. محل تولد ۵۸ درصد از پاسخگویان، شهر بود و بیشترین سهم از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده به‌ترتیب به بخش‌های کوزران (۲۷ درصد)، ماهیدشت (۲٦ درصد) و بیلوار (۱۹ درصد) متعلق بود. خانوارهای سه تا پنج‌نفره، ۷٦ درصد از پاسخ‌دهندگان را تشکیل دادند. بیش از ۸٦ درصد از سرپرستان خانوارهایی که به روستا مهاجرت کردند، فاقد تحصیلات دانشگاهی بودند و بیشترین سهم شغلی پاسخ‌دهندگان، به‌ترتیب کشاورزی (٤۷,٤ درصد)، شغل آزاد (۱۷ درصد) و دامپروری (۱۵,٦ درصد) بود و حدود ۱۰ درصد از این افراد، کارمندان و بازنشستگان بودند.

میزان پایایی پرسشنامه براساس ضریب الفای کرونباخ برابر با ۹۰,۵ درصد محاسبه شد که بیانگر پایایی پرسشنامه در سطح خیلی خوب است. شاخص KMO برابر با ۰,۸٦٤ بود که نشان‌دهنده کفایت نمونه و مناسب بودن تحلیل عاملی برای عوامل است. معنادار شدن آزمون بارتلت نیز نمایانگر روابط معناداری بین متغیرهای تحلیل عاملی و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی بود. تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی و مقدار ویژه و واریانس متناظر با عامل‌ها نشان می‌دهد که ۹ عامل با مقادیر ویژه بیشتر از ۱ توانستند ٦۱,۹۱۰ از واریانس ۳۸ گویه مربوط به عوامل مؤثر بر مهاجرت معکوس از نقاط شهری به روستایی را در شهرستان کرمانشاه تبیین کنند (شکل ۳).

1. Shumway & Otterstrom



شکل ۳. شناسایی تعداد مناسب عامل‌ها با استفاده از نمودار سنگ‌ریزه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

با توجه به نتایج ماتریس چرخش‌یافته همبستگی بین گویه‌ها و عوامل، گویه‌ها در ۹ عامل محیطی-زیستی، عامل کالبدی، فرصت‌های شغلی در محیط روستایی، عامل سیاست‌های حمایتی دولت از روستاییان در مهاجرت از شهر به روستا، مسکن، هزینه-درآمد خانوار، میزان دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، جاذبه‌های گردشگری و صنایع‌دستی و تعلق و بومی بودن، به شرح جدول ۱ دسته‌بندی می‌شوند.

جدول ۱. بارهای عاملی سؤالات تحقیق برحسب متغیرها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیر	بار عاملی	شماره عامل/ نام عامل	مقدار ویژه/درصد
دسترسی به محصولات غذایی سالم در روستا	۰,۷۴۳	عامل اول: فرهنگی-زیستی	مقدار ویژه: ۴,۳۳۱ درصد واریانس تبیین‌شده: ۱۱,۳۹۶
آلودگی هوای شهر و شلوغی آن	۰,۷۲۶		
دسترسی به آب و هوای سالم در روستا	۰,۷۲۱		
فراهم بودن محیطی امن، آرام و بی سرو صدا در روستا	۰,۶۹		
وجود مناظر طبیعی در روستا	۰,۶۴۵		

متغیر	بار عاملی	شماره عامل/ نام عامل	مقدار ویژه/درصد
برگشت دوستان و آشنایان به روستا	۰,۵۹۹		
وجود الگوهای رفتاری مناسب روستاییان در بازگشت به روستا	۰,۵۲۹		
وجود اشتراک‌های زبانی و دینی موجود در روستا	۰,۴۸۵		
دلبستگی به وطن اجدادی (روستا)	۰,۴۸٤		
وجود فرهنگ نامناسب در شهر	۰,٤٦۳		
وجود شور و نشاط و درک متقابل در محیط روستایی	۰,٤۵۸		
مطابقت محیط روستا با طبقه اجتماعی و اقتصادی	۰,۷٦۷	عامل دوم: کالبدی	مقدار ویژه: ٤,۰٤۰ درصد واریانس تبیین‌شده: ۱۰,٦۳۱
اجرای طرح هادی در روستا	۰,٦۳۵		
عمران و آبادی روستا	۰,٦۲۹		
نزدیکی مسافت روستا به شهر	۰,۵۷۵		
پرداخت تسهیلات اشتغال‌زای ارزان‌قیمت	۰,۷۱۸	عامل سوم: فرصت‌های شغلی در محیط روستایی	مقدار ویژه: ۲,۸۲۲ درصد واریانس تبیین‌شده: ۷,٤۲۷
داشتن زمین‌های مرغوب کشاورزی در روستا	۰,٦٤۷		
امکان بهره‌مندی از چند منبع درآمدی	۰,۵۸۹		
دسترسی به شغلی که دارای همخوانی مناسبی با وضعیت زیست‌محیطی	۰,۵۱۹		
فراهم بودن زمینه‌های شغلی در روستا	۰,۵۱٤		
حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در تأمین بذر، کود، سم و...	۰,۸٤	عامل چهارم: سیاست‌های حمایتی دولت از روستاییان	مقدار ویژه: ۲,٦۲۰ درصد واریانس تبیین‌شده: ٦,۸۹٤
حمایت دولت از روستاییان ازقبیل ارائه بیمه‌های روستایی، یارانه، سهام عدالت و...	۰,۷۸۳		
خرید تضمینی محصولات کشاورزی توسط دولت یا کارخانه‌های بخش خصوصی	۰,۷۵٤		
وجود بیمه محصولات کشاورزی و پرداخت خسارت	۰,٦۸۸		
دسترسی به خدمات زیربنایی همچون آب، برق، گاز، راه و اینترنت در	۰,۷۷۵	عامل پنجم: مسکن	مقدار ویژه: ۲,۵۱۳ درصد واریانس تبیین‌شده:
داشتن مسکن شخصی در روستا	۰,۷۱۳		
ارائه تسهیلات مقاوم‌سازی مسکن روستایی و تأمین انشعابات	۰,٦۷۱		

مقدار ویژه/درصد	شماره عامل/ نام عامل	بار عاملی	متغیر
مقدار ویژه: ۲,۲۳۳ درصد واریانس تبیین‌شده: ۵,۸۷٦	عامل ششم: هزینه–درآمد خانوار	۰,٦۳۸	زیاد بودن قیمت زمین در شهر
		۰,٦۱۸	پایین بودن سطح درآمد در شهر
		۰,٦۱٦	زیاد بودن هزینه زندگی در شهر
		۰,۵۷۷	کم بودن قیمت اجاره مسکن در روستا
		۰,٤۹۳	کم بودن قیمت خرید مسکن در روستا
مقدار ویژه: ۱,۹٤۰ درصد واریانس تبیین‌شده: ۵,۱۰۵	عامل هفتم: میزان دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی	۰,۸۵٦	فراهم بودن امکانات آموزشی برای فرزندان
		۰,۷۱٤	فراهم بودن امکانات بهداشتی و درمانی در روستا
مقدار ویژه: ۱,۷۷۱ درصد واریانس تبیین‌شده:	عامل هشتم: جاذبه‌های گردشگری و صنایع‌دستی	۰,٦٦٤	وجود جاذبه‌های گردشگری طبیعی، تاریخی، مذهبی و... در روستا
		۰,۵۱۳	وجود صنایع‌دستی قوی
		۰,۵	وجود ساختار معماری بومی مشابه
مقدار ویژه: ۱,۲۵٦ درصد واریانس	عامل نهم: تعلق و بومی بودن	۰,٦۹۸	کهولت سن و رسیدن به سن بازنشستگی

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پدیده مهاجرت در شهرستان کرمانشاه نیز همانند سایر شهرهای کشور سبب ایجاد معضلات متعددی شده است. یکی از مهم‌ترین راهکارهای رفع این مشکلات، تشویق مهاجرت معکوس به نقاط روستایی است. در این تحقیق تلاش شد، با شناسایی خانوارهایی که طی پنج سال اخیر به روستاهای شهرستان کرمانشاه مهاجرت کردند، به بررسی علل و انگیزه‌های مهاجرت آن‌ها به روستاها پرداخته شود. با توجه به انجام این پژوهش در فرمانداری کرمانشاه و ضرورت تقویت جنبه کاربردی پژوهش، سؤالات به‌گونه‌ای طراحی شد که به کمک آن علاوه‌بر بررسی تأثیر عوامل محیطی، بتوان تأثیر اقدامات دولت را به‌عنوان

جاذبه مهاجرت معکوس بررسی کرد و با توجه بـه نتـایج حاصـل، بـه اجـرای بودجـه‌ریـزی عملیاتی روستاهای یادشده برمبنای تأثیر هریک از عوامل شناسایی‌شـده اقـدام کـرد؛ بـر ایـن اساس، پرسشنامه‌ای با ۹ عامل و ۳۸ متغیر طراحی شد. پرسشنامه طراحی‌شده، براساس فرمول کوکران و به‌شکل تصادفی بین ۳۸٤ خانوار از روستاهای شهرستان کرمانشاه که طی سال‌هـای اخیر مهاجرت معکوس به روستا کردند، توزیع شد که درنهایت ۳۷۱ پرسشنامه بازگشـت داده شد و قابلیت بررسی داشتند. از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش می‌توان به نبود دسترسی بـه مشخصات خانوارهای مدنظر، نبود دسترسی به تمامی سرپرستان خانوار و نبـود دسترسـی بـه برخی از روستاها به‌دلیل صعب‌العبور بودن مسیر اشاره کرد که این موضوع بـا بهـره‌گیـری از ظرفیت معتمدین و دهیاران به میزان چشمگیر برطرف شد.

با توجه به آزمون‌های موجود، ۹ عامل با مقادیر ویژه بیشتر از یک توانسـتند ٦۲ درصـد از واریانس ۳۸ گویه مربوط به عوامل مؤثر بر مهاجرت معکوس از نقاط شهری بـه روسـتایی را در شهرستان کرمانشاه تبیین کنند. بیشترین بار عاملی عوامل مـؤثر بـر مهـاجرت معکـوس در سطح شهرستان به‌ترتیب عبارت‌اند از: فرهنگی-زیستی با ۱۱/۳۹ درصد واریانس، کالبـدی بـا ۱۰/٦۳ درصد واریانس، فرصـت‌های شـغلی در محـیط روسـتایی بـا ۷/٤۲ درصـد واریـانس، سیاست‌های حمایتی دولت از روستاییان بـا ٦/۸۹ درصـد واریـانس، مسـکن بـا ٦/٦۱ درصـد واریانس، هزینه-درآمد خانوار با ۵/۸۷ درصد واریانس، میزان دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی با ۵/۱۰ درصـد واریـانس، جاذبـه‌هـای گردشـگری و صنایع‌دسـتی بـا ٤/٦٦ درصـد واریانس و تعلق و بومی بودن با ۳/۳۰ درصد واریانس. بررسی متغیرها نیز حاکی از آن اسـت که مهم‌ترین علل مهاجرت معکوس از شهر به روستا در شهرستان کرمانشاه در میان متغیرهای مربوط به عامل فرهنگی-زیستی «دسترسی به محصولات غذایی سالم در روستا» با بار عـاملی ۰,۷٤۳ و «آلودگی هوای شهر و شلوغی آن» بـا بـار عـاملی ۰,۷۲٦، در حـوزه عامـل کالبـدی «مطابقت محیط روستا با طبقه اجتماعی و اقتصادی» با بار عـاملی ۰,۷٦۷، در میـان متغیرهـای مربوط به عامـل فرصـت‌هـای شـغلی در محـیط روسـتایی «پرداخـت تسـهیلات اشـتغال‌زای ارزان‌قیمت» با بار عاملی ۰,۷۱۸، در حوزه عامل سیاسـت‌هـای حمـایتی دولـت از روسـتاییان «حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در تأمین بـذر، کـود، سـم و...» بـا بـار عـاملی ۰,۸٤،

«حمایت دولت از روستاییان ازقبیل ارائه بیمه‌های روستایی، یارانه، سهام عدالت و...» با بار عاملی ۰,۷۸۳ و «خرید تضمینی محصولات کشاورزی توسط دولت یا کارخانه‌های بخش خصوصی» با بار عاملی ۰,۷۵٤، درباره عامل مسکن «مهم‌ترین عامل مؤثر متغیر دسترسی به خدمات زیربنایی همچون آب، برق، گاز، راه و اینترنت در روستا» با بار عاملی ۰,۷۷۵ و «داشتن مسکن شخصی در روستا» با بار عاملی ۰,۷۱۳، در حوزه عامل هزینه–درآمد خانوار «زیاد بودن قیمت زمین در شهر» با بار عاملی ۰,٦۳۸، «پایین بودن سطح درآمد در شهر» با بار عاملی ۰,٦۱۸ و «زیاد بودن هزینه زندگی در شهر» با بار عاملی ۰,٦۱٦، در میان متغیرهای مربوط به دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی «فراهم بودن امکانات آموزشی برای فرزندان» با بار عاملی ۰,۸۵٦، در حوزه عامل جاذبه‌های گردشگری و صنایع‌دستی «وجود جاذبه‌های گردشگری طبیعی، تاریخی، مذهبی و... در روستا» با بار عاملی ۰,٦٦٤ و در حوزه تعلق و بومی بودن «کهولت سن و رسیدن به سن بازنشستگی» با بار عاملی ۰,٦۹۸، مهم‌ترین متغیرهای مهاجرت معکوس از نقاط شهری به روستایی در شهرستان کرمانشاه هستند.

با توجه به نتایج پژوهش، راهکارهایی برای ترغیب مهاجرت معکوس و ماندگاری آن‌ها ارائه می‌شود:

- کمک به روستاییان در برندسازی محصولات غذایی سالم تولیدی آن‌ها در راستای افزایش درآمد و اشتغال در روستا؛
- ارائه تسهیلات ارزان‌قیمت با دوره بازپرداخت متناسب؛
- ارائه نهاده‌های کشاورزی ازقبیل بذر، سم، کود، خوراک دام و طیور و... که دارای بیشترین مطابقت اقلیمی و بازدهی باشد؛
- حمایت دولت از روستاییان ازقبیل ارائه بیمه‌های روستایی، یارانه، سهام عدالت و...؛
- توسعه کشت قراردادی با قیمت‌گذاری مناسب و با پرداخت عایدی کشاورزان در کمترین بازه زمانی و تسری آن به سایر بخش‌های کشاورزی ازجمله باغبانی، شیلات، دامپروری و...؛

- توسعه عمران و آبادی در روستاها از طریق ایجاد دسترسی به خـدمات زیربنـایی آب آشامیدنی بهداشتی، برق، گاز، مقاوم‌سازی مسـکن روسـتایی، راه آسـفالت و اجرای طرح‌های هادی متناسب بـا وضـعیت طبیعـی، بافـت فرهنگـی و اقلیمـی، استفاده از مصالح بوم‌آورد و...؛
- توسعه امکانات و فرصت‌های آموزشی، بهداشتی و فرهنگی در روستاها به کمک زیرساخت‌های فضای مجازی؛
- توسعه بوم‌گردی از طریق ایجاد بسترهای اجتماعی و فرهنگی در روسـتا و ارائـه آموزش‌های لازم در راستای سرمایه‌گذاری در این بخش؛
- تجدیدنظر و بررسی مجدد طرح‌های هادی روستایی به‌منظور در اختیار گذاشـتن زمین‌های موردنیاز برای ساخت مسکن به خانوارهایی که فاقد زمین مسکونی در روستاها هستند و اعطای تسهیلات ساخت مسکن و تـأمین انشـعابات آب، بـرق، گاز و...؛
- برنامه‌ریزی در جهت توسعه و معرفی سبک زندگی روستایی و معرفی جاذبه‌های روستایی در کنار دافعه‌های محیط شهری (آلودگی هوای شهر و شلوغی آن، زیاد بودن هزینه زندگی در شهر و...) در رسانه‌های جمعی به‌خصوص در صداوسیما.

تشکر و قدردانی

نتایج ارائه‌شده در این مقاله، مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «بررسـی علـل مهـاجرت معکوس از نقاط شهری به روستایی در شهرستان کرمانشاه» است که با حمایت مالی و معنوی فرمانداری شهرستان کرمانشاه انجام شده است. از زحمـات فرمانـدار وقـت و معـاون محتـرم برنامه‌ریزی و توسعه ایشان تشکر و قدردانی می‌شود.

کتابنامه

۱. ابراهیم‌زاده، آ. ح.، اشتری مهرجردی، ا.، و اسلامی، ا. (۱۳۹۸). مهاجرت معکوس روستایی با تغییر سبک زندگی شهری. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، *۱۲*، ۱۸٦- ۱٦۹.

۲. اسفندیاری، ا.، و دانیالی، ت. (۱۳۹۸). مقایسه تطبیقی روستاهای دارای دهیاری و فاقد دهیاری در روند توسعه‌یافتگی) مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان اسلامشهر. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، *۱۱*(٤٤)، ۱–۱٦.

۳. افراخته، ح.، منافی آذر، ر.، و ولایی، م. (۱۳۹۵). اثرات مکانی – فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، *۵*(۱۰)، ۹۸– ۸۳.

٤. آذر، ع.، محبوبی، ق.، و صلاحی رنجبری، م. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر در مهاجرت معکوس از کلان‌شهر تبریز به نواحی پیراشهری و روستاهای الحاقی. *نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، *۲٤*(۷٤)، ۲۹–٤۱.

۵. توسلی، غ. (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران، نشر سمت.

٦. حسینی، ق.، مشفق، م.، و زارع مهرجردی، ر. (۱۳۹۵). توصیف و تحلیل مهاجرت‌های بین استانی در ایران و تعیین‌کننده‌های آن طی دورهٔ ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰. *فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، *٦*(٤)، ۱۹–٤٤.

۷. ربانی، ر.، طاهری، ز.، و روستا، ز. (۱۳۹۰). بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، *۲*(۵)، ۱۰۸– ۸۳.

۸. شایان، ح.، عرفانی، ز.، و سجاسی قیداری، ح. (۱٤۰۰)، تحلیل مقایسه-ای مهاجرت معکوس (شهری–روستایی) ایران در مقیاس استانی. *فصلنامه روستا توسعه پایدار فضا*، (۷)، ۱۸–۱.

۹. شفیعی ثابت، ن. (۱۳۸٦). *تحولات کالبدی–فضایی روستاهای پیرامون کلان‌شهر تهران با تأکید بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی (۱۳۵۲ – ۱۳۸۲)* (رساله دکتری رشته جغرافیا). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۱۰. صادقی، ر.، غفاری، غ.، و رضایی. م. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت از ایران. *مطالعات جمعیتی پاییز و زمستان*، (۸)، ۸۳–۱۰۸.

۱۱. عباسی، د.، مهدوی حاجیلویی، م.، سرور، ر.، و کردوانی، پ. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر عوامل فردی و محیطی توانمندسازی روستائیان بر مهاجرت معکوس و رابطه بین آنها (نمونه موردی: روستاهای کردآباد، ویان و طاهرلو کبودرآهنگ). *فصلنامه جغرافیای سرزمین*، *۱۷*(٦۵)، ۹٦–۱۱۱.

۱۲. عبدالهی، ع. (۱۳۹۵). علل مؤثر بر مهاجرت معکوس در روستای طالش خلخال. *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی و علوم و تکنولوژی*، شهر باتومی، کشور گرجستان.

۱۳. غفاری، ف.، نیکو مرام، ه.، و کنعانی مقدم، ث. (۱۳۹۱). شناسایی و ارزیابی متغیرهای اقتصادی اثر گذار به مهاجرت معکوس در کلان‌شهر تهران. *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ٤(۹)، ٦۹–٥۸.

۱٤. فیاض، ز. س.، شاهیوندی، ا.، و شفیعی، ز. (۱۳۹۸). تحلیل ظرفیت زیست‌بوم شهرستان سمیرم در راستای برنامه‌ریزی مهاجرت معکوس. *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، (۱)، ۹۱–۱۱۱.

۱٥. قاسمی اردهایی، ع.، و نوبخت، ر. (۱۳۹٥). علل و تعیین‌کننده‌های جریان‌های مهاجرت معکوس در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، *۱۱*(۲۱)، ٤۲–۷۱.

۱٦. قاسمی، م.، جوان، ج.، و صابری، ز. (۱۳۹۳). تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود. *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ٤(۱٦)، ۱٥–۲۷.

۱۷. لهسایی زاده، ع. (۱۳٦۸). *نظریه‌های مهاجرت*. شیراز: نشر نوید.

۱۸. محمد بیگی، ا.، محمد صالحی، ن.، و گل، م. ع. (۱۳۹۳). روایی و پایایی ابزارها و روش‌های مختلف اندازه‌گیری آن‌ها در پژوهش‌های کاربردی در سلامت. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، (۱۳)، ۱۱٥۳–۱۱۷۰.

۱۹. محمودزاده، ح.، غلام نیا، خ.، و موسوی، س. م. (۱۳۹۷). رویکرد سناریو محور در مدل‌سازی توسعه شهری (مطالعه موردی شهر ساری). *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۲(٦٤)، ۲٦۷–۲۷۸.

۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱٤۰۱). *قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱٤۰۰–۱۳۹٦)*. بازیابی در ۱٤۰۱/٤/٥ از https://rc.majlis.ir/fa/law/show/ 1014547

۲۱. مطیعی لنگرودی، س. ح.، قدیری معصوم، م.، رضوانی، م. ر.، نظری، ع. ح.، و صجنه، ب. (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت شهرستان آق‌قلا. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)*، (٤۳)، ۷۸– ٤۳.

۲۲. *معاونت هماهنگی امور عمرانی فرمانداری کرمانشاه*. (۱٤۰۱). فرمانداری شهرستان کرمانشاه.

۲۳. ملکی، ز.، مولایی هشجین، ن.، و قرشی میناآباد، م. ب. (۱۳۹۸). اثرات و پیامدهای مهاجرت معکوس در تحولات محیطی اکولوژیکی و کالبدی روستاهای ساحلی شهرستان رشت. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*، ۱۲(۱)، ٦۳٥–٦٥٦.

۲٤. مهاجرانی، ع. ا.، و روستا، ز. (۱۳۹۳). مهاجرت معکوس و اثرات آن توسعه روستاهای شهرستان تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران ۱۳۹۰– ۱۳۸۵. *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۵(۱۳)، ۱٦۷–۱۹٤.

۲۵. نظری، ع. ح. (۱۳۷۷). بررسی گسترش فیزیکی – کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، (٤۹ و ۵۰)، ۲٤۱– ۲۲۵.

۲٦. یعقوبی، ج.، و زبیدی، ط. (۱۳۹۷). بررسی انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود – استان زنجان. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۹(۲)، ۱۹٦–۲۰۹.

27. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241- 260). New York: Greenwood Press.
28. Coleman, J. S. (1994). *Foundations of social theory*. Cambridge, MA: The Belknap Press of Harvard University.
29. Dahms, F., & McComb, J. (1999). Counter urbanization, interaction and functional change in a rural amenity area-a Canadian example. *Rural Studies*, *15*(2), 129-146.
30. De Haas, H. (2010). Migration and development: A theoretical perspective. *International Migration Review*, *44*(1), 227-264.
31. Evans, E. N. (2010). Liberation theology, empowerment theory and social work practice with the oppressed. *International Social Work*, *22*(2), 215-236.
32. Fukuyama, F. (1999). Social Capital and civil society. Paper presented at the *IMF Confernce on Second generation*, Reform.
33. Geyer, H. (1996). Expanding the theoretical foundation of differential urbanization. *Social Geography*, *87*, 44-59.
34. Geyer, H., & Kontuly, T. (1996). *Differential urbanization: integrating spatial models*. London: Edward Press.
35. Illeris, S. (1990). Counter-urbanization revisited: The new map of population distribution in central & north-western Europe. *North Geographic*, *44*, 39-52.
36. Khan, A., Arokkiaraj, H. (2021). Challenges of reverse migration in India: A comparative study of internal and international migrant workers in the post-COVID economy. *Comparative Migration Studies*, *9*(49), 1-19.
37. Putnam, R. D. (1996). Who killed Civic America? *Prospect*, *7*(24), 66-72
38. Seethi,k.m. (2022).Human Mobility and Reverse Migration in Asia: Triggers and Travails.Journal of Polity & Society.14(2), 25 – 41.
39. Shumway, J., & Otterstrom, S. (2001). Spatial patterns of migration and income change in the mountain west: The dominance of service-based, amenity-rich countries. *The Professional Geographer*, *53*(4): 492-502.

40. Sipinen, J., & Back, M. (2016). Generalised trust and perceptions of immigration in Europe. Paper presented at the *Eyropean Consortium for Political Research Conference*, 10 September, Pargue.
41. Todaro, P. M. (1997). *Urbanization, unemployment and migration in Africa: Theory and policy, policy research division working papers, No. 104*. New York: Population Council.
42. Zweig, D., Tsai, K., & Singh, A. D. (2021). Reverse entrepreneurial migration in China and India: The role of the state. *World Development*, *138*, 1-12.